

نامه سرگشاده پروفیسور هوشنگ امیراحمدی، کاندیدای رد صلاحیت شده نهمین دوره ریاست جمهوری به ملت آگاه و شریف ایران در مورد دور دوم انتخابات ریاست جمهوری ایران

ملت شریف و آگاه ایران

برای اولین بار در تاریخ ۲۶ ساله جمهوری اسلامی، انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری ایران به دور دوم کشیده شده است. در دور اول بخشی از ملت ایران انتخابات را تحریم کردند و بخشی دیگر به کاندیداهای مورد نظر خود رای دادند. اگرچه هیچکدام از دو رقیب نهایی، آقایان هاشمی و احمدی نژاد، همه خواسته های شما ملت را تامین نمیکنند، تفاوت فاحش دیدگاهها و سیاستهای آنها باید هیچ شبهه ای برای حضور شما در دور دوم انتخابات به عنوان یک ضرورت تاریخی باقی نگذارد. تاکید میکنم که ایران عزیز ما در یک وضعیت بسیار شکننده ای قرار گرفته و حضور شما در صحنه انتخابات، برای برون رفت از این بحران، ضروری است. امیدوار هستم که در دور دوم انتخابات نه تنها تاکتیک تحریم را در پیش نگیرید، بلکه به طور جدی در این انتخابات شرکت کنید و به کاندیدایی که بیشترین بخش از منافع فردی، شهروندی، انسانی، و ملی شما را در این مقطع حساس از تاریخ کشور تامین میکند رای دهید.

همانطور که در نامه سرگشاده خود، مورخ ۱۳۸۴/۳/۹، به شورای نگهبان نوشتم، از نیازهای متعدد جامعه ایران، که رئیس جمهور بعدی می بایست برای تحقق آنها برنامه و عزم راسخ داشته باشد، موارد زیر دارای اولویت بالاتر و فوریت بیشتری هستند. نتیجه دور اول انتخابات نیز صحت این نگرش و بینش را تایید میکند و درسهای آموزنده ای را برای ما به ارمغان آورده است. درخواست من از ملت آگاه ایران این است که در دوره دوم انتخابات به کاندیدائی رای دهند که برنامه او تقارب بیشتری با تحقق این نیازها دارد.

۱- ضرورت عادی سازی رابطه با آمریکا در چهارچوب عزت ملت، منافع ملی، و استقلال کشور. بیش از ۱۶ میلیون نفر به کاندیداهایی رای دادند که عادی سازی رابطه با آمریکا را جزیی از برنامه خود اعلام کرده بودند (رای دهندگان به آقایان هاشمی، کروبی، معین، و مهرعلیزاده). اعتقاد دارم که اکثریت قریب به اتفاق تحریم کنندگان و یا کسانی که در انتخابات به دلایل مختلف شرکت نکردند نیز خواهان عادی سازی رابطه با آمریکا هستند. یکی از درسهای عمده انتخابات نیز این بود که عدم رابطه عادی با آمریکا به نفع نیروهای پیشرو نبوده و نیست.

۲- ضرورت توسعه اقتصاد آزاد در جهت رشد صنعت و تکنولوژی و ایجاد اشتغال برای جوانان و زنان؛ گسترش عدالت اجتماعی برای طبقات زحمتکش و اقلیتهای کشور؛ کاهش حجم دولت و ایجاد شفافیت و مسئولیت پذیری در آن؛ و افزایش آزادیهای فردی، شخصی، خانوادگی، گروهی، و اجتماعی. بیش از ۲۰ میلیون نفر به کاندیداهایی رای دادند که تحقق بخشیدن به این نیازها را در برنامه های خود گنجانده بودند (رای دهندگان به آقایان هاشمی، کروبی، قالیباف، معین، و مهرعلیزاده). گفتنی است که خواست گسترش عدالت اجتماعی توسط اقشار زحمتکش جامعه در رای ای که بخشی از آنها به آقایان احمدی نژاد، قالیباف، و لاریجانی دادند، به خوبی منعکس است. یکی از درسهای مهمی که از انتخابات باید گرفت این است که طبقات زحمتکش جامعه، که خواهان عدالت هستند، را نمیتوان نادیده گرفت و در عین حال انتظار داشت در انتخابات پیروز شد.

۳- ضرورت توسعه سیاسی در جهت گسترش آزادی و حقوق بشر، برگزاری انتخابات آزاد، و تشکیل احزاب سیاسی. بیش از ۱۰ میلیون نفر به کاندیداهایی رای دادند که نیاز توسعه سیاسی را عمده می بینند (رای دهندگان به آقایان کروبی و معین). اعتقاد دارم که اکثریت قریب به اتفاق تحریم کنندگان و یا کسانی که در انتخابات به دلایل مختلف شرکت نکردند نیز خواهان اولویت دادن به توسعه سیاسی کشور هستند. آقای هاشمی نیز بعد از انتخابات دور اول به اهمیت توسعه سیاسی توجه بیشتری نشان داده است. در عین حال باید اذعان داشت که بخشی از رای دهندگان به آقایان هاشمی، قالیباف، و مهرعلیزاده نیز خواهان توسعه سیاسی هستند. یکی از درسهای انتخابات این بود که تحریم میتواند نتایج ناخوشایندی به بار بیاورد در حالی که مبارزه برای انتخابات آزاد از ضرورتهای ایران امروز است. اکثریت کسانی که در دور اول انتخابات شرکت نکردند، با توجه به شرایط پیش آمده، خود را موظف به شرکت در انتخابات دور دوم می بینند. به نظر من باید تحریم را تحریم کرد.

۴- ضرورت تشکیل دولت ائتلاف در چهارچوب یک سیستم انتخاباتی نمایندگی نسبی (Proportional Representation) و اجماع منافع سه گروه عمده اجتماعی شامل اقشار زحمتکش، متوسط و سرمایه دار. بیش از ۱۰ میلیون نفر به کاندیداهایی رای دادند که تشکیل دولت ائتلاف را در صدر برنامه های خود جای داده بودند (آقایان کروبی و معین). آقای هاشمی نیز بعد از انتخابات دور اول به اهمیت دولت ائتلاف توجه بیشتری نشان داده است. اعتقاد دارم که بخش وسیعی از افرادی که در انتخابات شرکت نکردند و همچنین بخشی از رای دهندگان به آقایان هاشمی، قالیباف، و مهرعلیزاده نیز خواهان تشکیل دولت ائتلاف هستند. مهمتر از

همه، این انتخابات نشان داد که بین نیروهای سیاسی – اجتماعی کشور توازن قوا وجود دارد به طوری که ۵ نفر از کاندیداهای ریاست جمهوری که بالاترین رای را به دست آوردند، تقریباً دارای رای برابر هستند. این نتیجه بیش از هر چیز دیگر نمایانگر ضرورت دولت ائتلاف در ایران است که باید در چهارچوب یک سیستم نمایندگی نسبی نهادینه شود به گونه ای که برنده همه را نبرد و بازنده همه را نیازد. در همین ارتباط، ضرورت همکاری با روحانیت برای گذار به دموکراسی را باید جدی تلقی کرد. دو نفر از هشت کاندیدای ریاست جمهوری روحانی بودند و هر دوی آنها بالاترین رقم آرا را کسب کردند در حالیکه افراد غیر روحانی حتی با برنامه های جذاب تر موفق به کسب آرای بالا نشدند. این موضوع تاییدی بر این تز اینجانب است که برای رسیدن به دموکراسی باید استراتژی "گذار با روحانیت و از روحانیت" را صادقانه دنبال کنیم.

ملت شریف ایران، دلیل کاندیدا شدن اینجانب در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری ایران نه برای کسب صندلی ریاست بلکه تلاشی در جهت دستیابی به ابزاری بود که از طریق آن بتوانم به نیازها و سیاستهای بالا جامعه عمل ببوشانم. امیدوارم که شما ملت آگاه ایران، کسی را انتخاب کنید که بیشترین خواستهای شما را، که در بالا فهرست وار آورده شد اند، تحقق بخشد. سربلند باد ایرانی، پاینده باد ایران.

با احترام

هو شنگ امیر احمدی

استاد دانشگاه راتگرز

نیوبرانزویک، نیوجرسی، آمریکا

سی و یکم خرداد یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار

hooshang@amirahmadi.com